

اصرار به اتهام خیانت

امیرفیض حقوقدان

درایمیلی که به جاوید ایران آمده بود آقای مهندس حبیب روحانی اصرار در اصرار دارد که واژه خیانت را درباره اعلیحضرت بکاربرند و جاوید ایران هم بی تفاوت نموده و هدایت های لازم را به میان آورده بتصور اینکه آن هدایت ها موثر است.

یادم آمد که در تاریخ مبارزه برون مرزی بغیر از آقایان مهندس روحانی و شاید هم باوندیان تنها شخصی که اصرار در چسباندن جرم خیانت به اعلیحضرت را داشت آقای دکتر آرمان نوری که خود را رهبر جنبش براندازی میدانست و سازمانی هم بنام «سازمان پارس» را در پاریس میگرداند بود؛ ایشان در مجله ماهیانه پارس در هر شماره ای اتهامات بسیار سنگین و فحاشی های متوالی که میتوان آنرا به عادت عو سگها تشبیه کرد، متوجه رضاشاه دوم میکرد.

از یاد ناچیزی که از جریان داشتم به روی سنگر هار فتم و توانستم یاد های پیچیده و کم رنگ رازنده کنم به سراغ آن مقاله سنگر ۱۵ مهر ماه ۱۳۸۲ میرویم.

((در شماره اخیر نشریه پارس (شماره ۲۴ شهریور ماه سال ۱۳۸۲) آقای آرمان نوری مقاله ای داشت زیر عنوان <آیا از خاندان پهلوی کسی پاسخی برای این نوشتار دارد> و در آن مقاله ۷ بار رضا پهلوی را خائن نامیده بود و به این هم اکتفا نکرده و اضافه کرده کسانی هم که به این مرزوبوم خیانت میکنند به کمک رضا پهلوی است.

شاید بی میل نباشید که بدانید دلایل اصرار ایشان به خائن بودن اعلیحضرت چه بوده است:

- ۱- رضا پهلوی صحبت از نافرمانی مدنی میکند، پس خائن است.
- ۲- مبارزه رهبری، سازمان دهی و هزینه میخواهد و ایشان نمیکند، پس خائن است.
- ۳- به دکتر نصر اصفهانی کمک مالی نمیکند که ایشان مجبور شده دبیرخانه خودش را تعطیل کند، پس خائن است.
- ۴- خائن است بدلیل اینکه شاهین فاطمی و داریوش همایون و مروتی مشاوران او هستند پس خائن است.

سنگر شماره ۳۸۸+۳۳۲ مورخ ۱۵ مهر ماه ۱۳۸۲ جوابی به ایشان داده است که تصور میکنم اشاراتی از آن میتواند مورد استفاده آقای مهندس حبیب روحانی باشد.

((آقای آرمان نوری

آقای آرمان نوری کسی که مدعی داشتن تابلوی سازمان پارس است (در تطبیق مورد با آقای مهندس روحانی که خود را فولاد آبدیده میداند) حداقل باید به معنای خیانت و خائن و معانی وحد تسری آنها آگاه باشد و در بکار بردن آن با احتیاط عمل کند.

حاشیه = یکی از شعارهای رایج آقای آرمان نوری این بود که میگفت و مینوشت (اگر همه برگ درختان جنگلها را دلار آمریکایی کنند نمیتوانند من رابخرند) تا حدودی حد غلو نزدیک فولاد آبدیده است. (پایان)

خیانت، اسم مصدر است یعنی نمیتوان گفت فلانی خیانت کرده باید معلوم باشد که آیا خیانت در امانت کرده، خیانت در زناشویی کرده، خیانت در دوستی کرده و یا خیر، خیانت در کشورداری کرده و یا اصلاً خیانت ملی کرده است.

درداعانامه آقای مهندس روحانی معلوم نیست که اصرار ایشان به خانن بودن رضا پهلوی از کدام صیغه است از صیغه کار سیاسی است و یا غیر آن ولی این تحریر حسب دریافت و ارتباط موضوع، خیانت را به حساب کار سیاسی اعلیحضرت میگذارد.

خیانت در کار سیاسی همان خیانت به کشور و عبارتست از سوء قصد بر ضد امنیت کشور بوسیله ایجاد ارتباط با کشور دیگری که دارای سلطه و اقتدار است.

رکن اصلی در هرگونه خیانتی که رکن معنوی گفته میشود قصد فاعل به ضرر رساندن به کشور است و اگر قصدش رسیدن به منافع شخصی باشد خیانت نیست.

همین موضوع حساس است که نمیتوان به کسی عنوان خانن داد مگر اینکه دادگاه صالحه حکم بر تعلق جرم خیانت رابه متهم صادر کند، اتهام خیانت، فحش عادی نیست، شوخی بردار هم نیست، در بین عوام هم بسیار معمول است ولی از سوی اهل علم و دانش سیاسی نمیتواند از مغان مردم شود.

اظهار نظر نسبت به فعلی که ممکن است خیانت باشد یا نباشد با خانن شناختن افراد بسیار، بسیار تفاوت دارد.

اولی اعتبار نظری دارد یعنی مادامی که نظردیگری مقابل آن نیامده بعنوان یک نظر شناخته میشود ولی شناختن افراد بعنوان خانن حکم است نه نظر.

تنها در جامعه تشیع، نظر مراجع تقلید همان حکم است، > دردوران قاجار علمای وقت هم فتوا میدادند و هم خودشان مجری حکم میشدند (تاریخ اجتماعی ایران).

گراشرع فتوا دهد بر هلاک الا تا نداری زکشتنش باک (بوستان سعدی)

اعلامیه جهانی حقوق بشر هم به این محظور توجه داشته و برائت افراد راتا صدور حکم قطعی دادگاه محترم شناخته است.))

آقای روحانی نوشته است: > برای من وطن فروشی و نوکریبگانه هر کسی باشد او را خلع لباس میکنم در آلمان هم همینطور است و مدارک علمی افراد پس گرفته میشود.<

در هیچ جامعه مترقی و یا عقب مانده ای این حق به افراد داده نشده که آقای روحانی در عبارت > من خلع لباس میکنم< خودشان را در جایگاه دادگاه قرار داده اند مگر اینکه ایشان در جایگاه مرجع تقلید و جامعه جهانی را جامعه تشیع زده میدانند.

یکی از عناصر ورود اتهام خیانت، شکسته شدن قانون بوسیله متهم است؛ حکم خیانتی را که آقای روحانی برای اعلیحضرت صادر کرده براساس کدام قانون است قانون اساسی جمهوری اسلامی و یا تداوم اجرائی قانون اساسی مشروطه؟

مقصود از اشاره بالا ملاحظه ابعاد و اشکالات حقوقی حکم خیانت نسبت به افراد است، آیا آقای مهندس روحانی در محاسبات نظری خودشان نسبت به اعلیحضرت طرح هنری برشت را ملحوظ داشته اند؟

آیا خودشان میدانند که در زوایای کدام قانون اساسی حاکم بر مبارزه سیاسی ایرانیان قرار دارند؟

آیا میدانند که فرض توقع مترتب بر قبول رابطه است؟

توصیه علم اخلاق

توصیه علم اخلاق به آقای روحانی این است که هیچگاه «من» را ستون نظرات و ادعاهای خویش قرار ندهند که سست ترین ستونهاست.

اتفاقا عجیب تقارنی است که آقای آرمان نوری هم بیانیه هایش مستقر بر واژه من بود؛ <من آرمان نوری بعنوان رهبر جنبش براندازی حکومت اسلامی> بیانیه ۰۱/۰۶/۲۰۰۵ و نیز <من شمارابه سوی روشنائی هدایت میکنم> کتاب ایشان.

این تحریر، دوبیتی معروف شیخ بهانی را همراه میکند.

ای هست وجود تو ز یک قطره منی معلوم نمیشود که تو چند منی

تا چند منی ز خود که کو همچو منی نیکو نبود منی ز یک قطره منی